

کتاب ایقان

مصاحبه‌ای با هوپر دانبار

هوپر دانبار^(۱) عضو بیت العدل اعظم یک "راهنمای مطالعه کتاب ایقان"^(۲) تهیه نموده‌اند که توسط جرج رونالد منتشر شده است. نیشان صهبا در حیفاً مصاحبه‌ای با ایشان به عمل آورده که ذیلاً ملاحظه می‌نماید.

نیسان: جناب دانبار، در کتاب ایقان، یا شاید در خصوص موقعیت این کتاب در میان کل آثار امری، چه بود که شما را به آن جذب کرد تا چنین به دقت آن را مورد بررسی قرار دهید و این راهنمای مطالعه کتاب ایقان را بنویسید؟

هوپر دانبار: تصوّر می‌کنم برای هر یک از ما توصیف موقعیت و جایگاه چنین کتابی متعالی بسیار دشوار باشد، اما ما می‌توانیم اشارات و دلالاتی را از بیانات عالیة حضرت ولی امرالله در خصوص آن دریابیم که فی الواقع نکاتی هستند که مرا به اهمیت این کتاب واقف نمودند و به این نتیجه رسیدم که باید این سفر مبین را به طور دقیق مطالعه نمایم. البته، من قبلاً، وقتی که بهائی شدم آن را خوانده بودم، یعنی در سالهای مهاجرت آن را خواندم، ولی نقطه حرکت برای چنین تلاشی نقل قولی بود که من در یکی از توقیعات حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبای کالیفرنیا یافتم، که در طی آن می‌نویسند احبائی که می‌خواهند مبلغین با کفایت و مفیدی برای امر مبارک باشند باید اولین وظیفه خویش بدانند که تا آنجا که در توان دارند به طور کامل با تمامی جزئیات مذکور در کتاب ایقان آشنا شوند. ایشان بعد استنتاج می‌فرمایند که احبّاء باید طوری با این کتاب انس بگیرند که "بتوانند پیام مبارک را به احسن وجه منتقل نمایند."^(۳) با خود فکر کردم، "به بهترین وجه...؟" "تمامی جزئیات...؟" پس باید کاری بزرگ را شروع کنم و در بحر این کتاب غوطه‌ور شوم.

Hooper Dunbar - ۱

A Companion to the Study of the Kitab-i-Iqan - ۲

۳- ترجمه

بدین لحاظ، مطالعه کامل و دقیق این کتاب اساس کار من شد. فکر می‌کنم بسیاری از ما کتاب ایقان را خوانده و مواضع کلی آن را مرور کرده باشیم و این فی نفسه خوب است. اما حضرت ولی امرالله، مثل همیشه، به ما یادآور می‌شوند که تا چه حدی باید به این کتاب توجه داشته باشیم. به نحوه بیان مبارک توجه کنید که می‌فرمایند این کتاب در میان آثار عقیدتی حضرت بهاءالله برجسته‌ترین و ممتازترین است و در واقع تنها کتاب مهم در میان تمامی آثار نازله از قلم وحی به استثنای کتاب مستطاب اقدس می‌باشد. نکته مهم این است که کتاب اقدس کتاب احکام است، اما اصول عقاید عظیم امر مبارک، پیام عظیم حضرت بهاءالله در کتاب ایقان مندرج است. حضرت ولی محبوب امرالله می‌فرمایند، "مخزنی بی‌مثیل از کنوز بی‌حد و حصر"^(۱) می‌باشد. ما منتظر چه هستیم؟ این فرصتی برای ماست.

بدین لحاظ من بعداً کلاسهایی برای جوانان و عموم احبایی که در مرکز جهانی بهائی خدمت می‌کنند، تشکیل دادم. در طول چندین سال دوره‌هایی داشتیم که اولین رشته کلاسها چهارده ماه طول کشید. سطر به سطر را خواندیم و به طور گسترده‌ای تمامی کتاب را در بحثهای خود مورد کند و کاو و بررسی قرار دادیم و من سعی می‌کردم هر آنچه می‌توانستم مطالبی در این زمینه، یا فقراتی که معادل این بیانات و یا دارای همان مفاهیم بود به کلاس بیاورم. ما نگاهی تفصیلی به آن انداختیم و از آن پس دوره‌های "کوتاه مدت" بیشتری داشتیم. شما می‌دانید که فرد واقعاً باید به طور مکرر به این کتاب رجوع نماید. شما هرگز نمی‌توانید کتاب ایقان را به اتمی برسانید. به خاطر می‌آورم زمانی یکی از احبای غربی سر میز حضرت ولی امرالله نشست. بود. هیکل مبارک از او پرسیدند که آیا کتاب ایقان را خوانده است و او جواب مثبت داد. حضرت ولی امرالله به گروه بعدی زائرین در این خصوص که یکی از احباء گفته که کتاب ایقان را به پایان رسانده چنین اظهار نظر فرمودند که در واقع ما هرگز نمی‌توانیم این کتاب را به پایان برسانیم. این کتاب، اثری است که خواندن آن همواره در زمره مجهودات عظیم ما باقی می‌ماند. امید چنان است که ما به عنوان افراد انسانی وقتی از لحاظ روحانی تکامل می‌یابیم، استعداد ما برای درک مراتب بیشتر و متفاوتی از مفاهیم مندمج در کتابی چون ایقان نیز متحول شده توسعه یابد. از این لحاظ، این کتاب یک همدم دائمی تا آخرالحيات است و همواره اهمیت آثار مبارکه حضرت بهاءالله را به ما خاطر نشان می‌سازد. این یک آموزش و نوعی پرورش است. مطالعه امر بهائی در سطح دکترا

۳ است و با اینهمه برای همه احباء تماماً قابل حصول می‌باشد. البتّه بدیهی است که برای مطالعه تفصیلی آن باید توجه و دقت کافی مبذول داشت، اما به هر حال ما تشویق به مطالعه این کتاب می‌شویم.

نیسان: تقریباً می‌توان گفت که حضرت ولی محبوب امرالله هدایات خویش برای آحاد احباء را در آثار مبارکه خود با مثال روشن ساخته‌اند.

هوپر دانبار: البتّه. شاهکار حضرت ولی امرالله، یعنی توقیع دوربهای را ملاحظه کنید. در میان کتاب، آنجا که به توصیف ظهورات متوالیه، روابط مظهر ظهور با ذات الهی، نفیس تعریف ذات خداوند می‌پردازند، هیکل مبارک مکرراً گزیده‌هایی از کتاب ایقان را نقل می‌فرمایند. من این بیانات نقل شده را در راهنمای مطالعه آورده‌ام زیرا فکر می‌کنم حضرت ولی امرالله، از لحاظی، جوهر کتاب ایقان را در بیاناتی که در دوربهای نقل می‌فرمایند انتخاب کرده‌اند. بعد، تبیینات بیشتر، توسعه و گسترش این بیانات نقل شده، در فقراتی از کتاب ایقان مشاهده می‌شود که حضرت ولی امرالله انتخاب کرده در کتاب منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله^(۱) آورده‌اند (آنها نیز در راهنمای مطالعه نقل شده است). شش بخش مفصل از کتاب منتخبات از کتاب ایقان استخراج شده است. با این همه ایشان احساس کردند در کتابی از منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاءالله که مظهر آثار و تعالیم آن حضرت می‌باشد و، به بیان مبارک که در توقیع منیعه در تأیید این منتخبات می‌فرمایند، برای اهل عالم در این مرحله نمونه مناسبی است (به طوری که می‌توانید کتابی از آثار مبارکه را داشته باشید که بتوانید در کتابخانه گذاشته و در سخنرانی‌های عمومی مورد استفاده قرار دهید و این مبنای برخی از تفکرات ایشان برای تهیه کتاب منتخبات بود)، امکان گنجاندن فقراتی از کتاب ایقان در چنین کتابی که برای عامّه ناس بود، فراهم نبود.

نیسان: جالب است که شما به عامّه ناس اشاره می‌کنید زیرا در مورد کتاب ایقان من این احساس را دارم که گاهی اوقات ما، بخصوص در غرب، در اوائل تماس مبتدیان یا متحرّیان با آثار حضرت بهاءالله، در استفاده از این کتاب اندکی تأمل و درنگ می‌نماییم.

هوپر دانبار: بعضی از احبّاء ابتدا اشارات اسلامی را خشک، سرد و ناخوشایند می‌یابند. آنها می‌گویند، "اگر این کتاب را به دوستان یا همکاران غیربھائی خود نشان بدهم، خواهند گفت زمینۀ اسلامی دارد." بعضی از یاران هم تصوّر می‌کنند این کتاب مشکل‌تر از آن است که برای مطالعه به کسی داده شود، و شما حتماً باید بهائی باشید تا آن را مطالعه کنید. اما افکار حضرت ولی امرالله چنین نبود. فی‌المثل، می‌دانم که در آمریکای جنوبی اولین کتابی که به اسپانیولی و پرتغالی ترجمه شد کتاب بهاءالله و عصر جدید اثر دکتر اسلمنت بود. اما به محض این که کار ترجمۀ آن تمام شد، حضرت ولی امرالله هدایت فرمودند که کتاب ایقان باید به عنوان دومین کتاب ترجمه شود. ایشان اشاره می‌فرمایند که چقدر این کار مهم است. منشی هیکل مبارک از طرف ایشان می‌نویسد آن حضرت چقدر مشتاقند که این کتاب به طور کامل و صحیح ترجمه شود زیرا "بهترین وسیلۀ آموزش و تعلیم نفوسی است که به تعالیم اصولی و اساسی امر مبارک علاقمند شده‌اند. کتاب ایقان و کتاب دکتر اسلمنت کافی است که هر متحرّی را در ماهیت الهی امر مبارک به مؤمنی واقعی تبدیل کند."^(۱) لذا، این کتاب نه تنها در جریان تبلیغ یک اثر حاشیه‌ای نیست، بلکه باید در مرکز فعالیت‌ها قرار گیرد.

مشاهده کثیری از نفوس که در قارات مختلف عالم در دوره‌های متفاوتی از پیشرفت و توسعه امر مبارک با مطالعه کتاب ایقان به امر الهی جذب شده و تحکیم شده‌اند، برای من بسیار جالب بود. کتاب ایقان دارای یک قوۀ پویایی است که همیشه وجود دارد و چیزی نیست که فردی از احبّاء مایل باشد آن را از دست بدهد! این کتاب ابزاری را به ما می‌دهد که در طرح حضرت بهاءالله برای ائتلاف پیروان ادیان گذشته در یک دیدگاه واحد، رساندن آنها به جایگاه وحدت که اوج تمامی اقدامات پیامبران گذشته می‌باشد، به ما مساعدت می‌نماید. بدان نحو که حضرت بهاءالله از کتب مقدّسه نقل قول می‌فرمایند و اهمّیتی که ایشان برای اصطلاحات نمادین کتب مزبور قائل می‌شوند باعث می‌شود کتاب ایقان به ما بینشی نسبت به آثار مقدّسه گذشته بدهد که برای تبلیغ امر مبارک یا کسب اطلاعات درباره امر مبارک از یک زمینۀ مذهبی متفاوت، بسیار حیاتی و حائز اهمّیت است.

بعد، جدا از اهمّیت محتوای این کتاب برای امر تبلیغ، حضرت ولی امرالله متذکّر می‌شوند که این کتاب دارای نمونه‌های متعدّد تبلیغی است که حضرت بهاءالله بیان می‌فرمایند. در واقع تمامی

کتاب که خطاب به فردی از غیر احبّاء است، مطالعه‌ای در مورد نحوه تبلیغ می‌باشد. کلّ ماهیت کتاب ایقان نگرش و رفتاری را که فرد باید در تبلیغ داشته باشد منعکس می‌سازد. ۵

بله، هر فردی باید به خاطر داشته باشد که این کتاب در اصل خطاب به یکی از خال‌های حضرت باب نازل شد که هنوز ایمان نیاورده بود و به تحقق برخی از تعالیم و نبوّات اسلامی، که مطمئن نبود واقع شده باشد، علاقمند بود. اما حضرت بهاء‌الله از این محمل برای پرکردن یک دنیا از شگفتی‌ها استفاده کردند و در این جریان، کتاب ایشان از خال حضرت باب به مراتب فراتر می‌رود. البتّه این خال با زیارت این کتاب به کلّی منقلب شد و به حقیقت و حقانیت حضرت باب و حضرت بهاء‌الله اذعان نمود. بدایتاً این کتاب "رساله خال" نامیده شد. حضرت بهاء‌الله بنفسه المقدّس در یک زمان معین در عکّا فرمودند که این کتاب باید به "ایقان" تسمیه شود.

نیسان: چرا ایقان؟

هویر دانبار: تمامی قوّت و اساس حیات و توان ما در امر مبارک عبارت از اطمینان و ایمان ما به حقیقت امرالله است. اگر شما این تردید را به خود راه بدهید که، "آیا امرالله واقعاً حلالّ جمیع مشکلات خواهد بود؟" ناگهان قوای شما تنزّل کرده به صفر می‌رسد. ما باید به طور مداوم دیدگاه و بینشی را که در مورد امر مبارک داریم تجدید نماییم و خود را مشتعل سازیم. وقتی که ما بر کتابی چون ایقان تمرکز داشته باشیم، وقتی در خصوص آن به تفکر می‌پردازیم، آن را مطالعه می‌کنیم و مورد تعمق قرار می‌دهیم، بسیاری از مسائل ناچیز و بی‌اهمیت که در زندگی ما چون غول جلوه می‌کنند، رنگ می‌بازند و عقب‌نشینی می‌نمایند.

نیسان: شما به وضوح اما تلویحاً به سؤال بعدی من پاسخ دادید، اما شاید بتوانید بالصّراحه مشخص نماید که چگونه مطالعه این کتاب بغایت مهم با مساعی ما برای حصول اهداف نقشه چهارساله و آنچه که بلاتردید در نقشه‌های دوازده ماهه و پنجساله به دنبال خواهد آمد، به طور اخصّ انطباق می‌یابد؟

هویر دانبار: نقشه چهارساله بر استقرار جریانات سیستماتیک در توسعه منابع انسانی بسیار زیاد متمرکز است و ابزارهای کلیدی آن البتّه مؤسّسات آموزشی، گروه‌های مطالعه هستند که همه

عبارت از عوامل و عناصر مختلف جریان مؤسسه آموزشی می‌باشند. بیت‌العدل اعظم توضیح داده‌اند که حقایق اساسی امرالله باید در قلب جریان مؤسسه آموزشی باشد و کتاب ایقان کتابی است که، طبق بیانات مکرر حضرت ولی امرالله، اعتقادات اساسی را توضیح می‌دهد؛ این کتابی است که حقایق بنیادی امرالله را در بر دارد و در این مقام کاملاً منطبق با اهداف ما می‌باشد. حال، ممکن است مؤسسات آموزشی مطالبی را از آن استخراج نمایند، ممکن است در جریان مؤسسه آموزشی شما تمرکز را بر فقرات منتخبی از این کتاب قرار دهید، اما نهایتاً احباء تمایل خواهند یافت به بهترین وجهی که امکان دارد این کتاب را به طور کامل مطالعه نمایند. بالاخره، در برخی مراحل توسعه امر بهائی، گریزی از تمرکز بر مطالعه محتوای این شاهکار الهی نیست. ما می‌دانیم که حضرت بهاءالله در بیانی خطاب به یکی از احباء می‌فرمایند که کتاب ایقان در رأس جمیع کتب قرار دارد.^(۱) واقعاً حیرت‌آور است!

بنابراین فکر می‌کنم که این کتاب بخشی از نقشه چهارساله است، اما بخش بسیار مهمی از حیات عادی بهائی باقی خواهد ماند، اعم از این که نقشه‌ای وجود داشته باشد یا نداشته باشد. توجه داشته باشید که مقصود از هیچ یک از نقشه‌ها این نیست که ما را از هدف اساسی روحانی حیات، که نزدیک شدن به حضرت بهاءالله، یعنی تقرب به خداوند از طریق حضرت بهاءالله و تغییر و تحوّل در شخصیت می‌باشد، منحرف نماید. کتاب ایقان برای همین مهم است، کلیدی برای دستیابی به آن است. بنابراین همیشه در این مقام قرار دارد. شما نمی‌توانید به طور کامل مطالعه کتاب ایقان را به عنوان یک هدف برای نقشه‌ای تعیین کنید، مطالعه آثار مقدسه امر مبارک همیشه در رأس دستورکار قرار دارد و کتاب ایقان مناسب‌ترین نقطه شروع می‌باشد.

نیسان: بنابراین مطالعه کتاب ایقان مکمل و متمم جریان مؤسسه آموزشی و مهم‌ترین بخش آن می‌تواند می‌باشد و اگر درست دریافته باشم، چنین مطالعه‌ای ارتباطی مشابه به جریان زندگی در نفس حیات بهائی دارد.

هویر دانبار: مطالعه کتاب ایقان ممکن است ضرورتاً برنامه اصلی آموزشی در دوره‌های اولیه

۱- توضیح مترجم: جناب دانبار عبارت Sir-i-Kutub را از حضرت بهاءالله نقل کرده آن را Lord of Books ترجمه کرده‌اند. چون عبارتی نزدیک به آن یافت نشد، به رأس کتب ترجمه شد.

مؤسّسات آموزشی قرار نگیرد، اما برخی از مواضع در مطالبی که در جریان مؤسّسه مورد استفاده قرار می‌گیرد به نحوی عرضه می‌شود که مشورت در یک موضوع را ارتقاء می‌بخشد، ذهن را نسبت به برخی واقعیت‌هایی که ممکن است در در تفکر یک فرد بهائی وجود نداشته باشد، روشن می‌سازد، و این امر می‌تواند قلب و ذهن را چنان فتوح و انشراحی ببخشد که بتواند در مطالعه فردی ابتکار و نوآوری از خود نشان دهد و این است آنچه که ما مسئول آن هستیم. مؤسّسه در سوق دادن ما، یا در بهترین شرایط، در مجبور کردن ما به رفتن به سوی مطالعه وسیع‌تر و گسترده‌تر کتب و ادبیات امری تأثیر و نفوذ دارد. تمامی این حالت را نمی‌توان در جریان مؤسّسه تحت پوشش قرار داد. دروس مؤسّسه برای ایجاد طلب و تشنگی، بیداری روحانی و انشراح قلب برگزیده شده‌اند، از آن پس تنها باید با تغذیه روحانی و الهی این مسیر را ادامه داد. بنابراین بدیهی است اگر تمامی مطالعات امری ما به اوقاتی که در این درسها و مؤسّسات آموزشی صرف می‌کنیم منحصر می‌شد، بغایت ناچیز بود.

همچنین اگر تصوّر کنیم که با تلاوت آیات در صبح و شام به مسئولیت خود در مطالعه امر مبارک عمل کرده‌ایم، در توجّه به پیش حضرت ولی امرالله و عمل به موجب آن قصور ورزیده‌ایم. ایشان مطالعه مستمرّ و بلاوقفه کتب امری، آشنا شدن با تمامی ادبیات امری را توصیه می‌فرمایند. تلاوت آیات در صبح و شب باعث می‌شود روح ما توان پرواز پیدا کند، روح ما متعالی شده مسرّت یابد تا بتوانیم روز و شب را با قدرت طیّ کنیم، اما در ادوار مختلف حیات خویش باید اوقاتی را، معاذالله حتی از وقت تفریح خویش!، برای مطالعه این کتابها و جذب آنها کنار بگذاریم. این وظیفه شاقّ و سنگینی نیست؛ به محض این که وارد این کار شوید و مجذوب آنها گردید، این جریان برای شما بازده خواهد داشت. یکی به دیگری منتهی می‌شود، هر چه بیشتر آثار مبارکه را مطالعه نمایید، تعامل بیشتری صورت می‌گیرد. این تأثیرات متقابل، از متون مختلف، انواع متفاوت مطالعه که هر فردی قادر به انجام دادن آن است، حیات و اقدامات فرد را تحت تأثیر قرار داده زندگی او را متحوّل می‌سازد.

نیسان: میل دارم در اینجا قدمی به عقب بردارم و به این نکته بپردازم که وقتی درباره مطالعه صحبت می‌کنیم، مطالعه آثار یا کتاب ایقان، مقصود چیست؟ مطالعه واقعی کلمات الهیه در متن حیات بهائی مستلزم چه امری است؟ آیا یک اقدام آکادمیک است؟ دقیقاً چیست؟

هویر دانبار: بیت العدل اعظم چند سال قبل مقرر فرمودند دارالتحقیق مجموعه‌ای از آثار را در مورد تزیید معارف، درباره اهمیت تزیید معارف و به طور کلی حصول معرفت نسبت به آثار مبارکه تهیه نماید. این مجموعه تهیه شد و بیت العدل اعظم آن را منتشر ساختند. این مجموعه را می‌توان به تنهایی یا در کتابی بزرگتر به انضمام مجموعه‌های دیگر یافت. زمانی من این مجموعه را مورد مطالعه و بررسی مختصری قرار دادم و به تمامی آن بیانات مبارکه نگاهی انداختم و در مورد سایر فقرات مندرج در آثار مبارکه در این خصوص نیز تفکر کردم. وقتی که شما به توضیحات و تبیینات حضرت ولی امرالله در خصوص اهمیت مطالعه امر مبارک نگاه می‌کنید که چرا اهمیت دارد و چگونه باید این مطالعه صورت گیرد، در می‌باید که ایشان در سطوح مختلفی از اقدامات مربوطه سخن می‌گویند. این بیانات به من کمک کرد آنها را در ذهن خودم با تقدّم و تأخر مناسب تنظیم نمایم.

به هر حال، شروع مطالعه به معنی خواندن کتب است. بعد به بیان حضرت ولی امرالله این کتاب را باید خواند و مجدداً خواند. بنابراین ما اینک به مطالعه مجدّد می‌رسیم. بعد می‌فرمایند که باید مستمراً در بحر این کتب مستغرق شد، باید در آنها غوطه‌ور شد، باید محتوای آنها را مورد بررسی قرار داد و این باید ما را به فهمیدن محتوای آنها و جذب تعالیم مختلفی که در آنها مندمج است رهنمون سازد. لذا، ما از کنجکاوی فراتر می‌رویم و از نگاه کردن تنها به یک متن، گویی یک صحنه تماشایی است، قدمی آنسوتر می‌نهیم. این مثال را بسط دهید و فکر کنید که به مکان جدیدی می‌رسید؛ به سرعت سعی می‌کنید از همه چیز بهره‌ای ببرید و همه آنها تازه است و به طور خودکار این عمل صورت می‌گیرد. بعد نگاهی دوباره به همه آنها می‌اندازید تا جزئیات را بررسی کنید و ویژگی‌های منظره را دریابید، و خصوصیات ریزتری را که در نگاه اول مشاهده نکرده بودید دریافته مورد تمجید قرار می‌دهید. اندک اندک به بخشهای خاصی نزدیکتر می‌شوید. همین حالت در مورد مطالعه کتاب نیز مصداق دارد. آن را مرور می‌کنید، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرید. قدمی به عقب برمی‌دارید. در مورد کتاب ایقان من تعیین رؤوس مطالب را مفید یافتیم و در راهنمای مطالعه کتاب مزبور دو مجموعه رؤوس مطالب تهیه کردم، نه آنقدر زیاد که کسی فکر کند آنها تعیین کننده هستند، بلکه برای این که دانشجویان به خود حرکتی بدهند و سعی کنند رؤوس مطالب را بنویسند یا حدّ اقل فهرستی از محتوای کتاب را که درک می‌کنند تهیه نمایند و از آن به عنوان کمکی جهت برداشتن قدمی به گذشته و یافتن نکات و بخشهای ریزتر استفاده نمایند.

۹ حضرت ولی امرالله بعد از آن که راجع به خواندن، دوباره خواندن، مستغرق شدن و فهمیدن محتوای کتابها صحبت می‌کنند، مسأله تسلط یافتن بر محتوای کتب را مطرح می‌فرمایند. این مرحله به مراتب فراتر از فهمیدن و درک است: در این مرحله باید متن جزئی از وجود ما شود. ما می‌دانیم که در کتابها چه نوشته شده است، وقتی که مطلبی را می‌شنویم به راحتی می‌فهمیم که آیا منطبق با محتوای کتابها هست یا خیر. حضرت ولی امرالله خاطر نشان می‌فرمایند که این لازمه تبلیغ امرالله است. و بالاخره ایشان می‌فرمایند که ما باید بخشهای کلیدی این کتابهای را به حافظه بسپاریم تا در حین تبلیغ بتوانیم به طور خودکار نقل قول نماییم. بنابراین شما مطلب را خوانده‌اید، مجدداً خوانده‌اید، در آن مستغرق شده‌اید، آن را فهمیده‌اید، تسلط یافته‌اید و به حافظه سپرده‌اید. این در نظر من عبارت از مطالعه بهائی است.

به نظر من مفهوم یادگیری آکادمیک این است که شما مهارتهای ذهنی را به طور سیستماتیک برای جذب مجموعه‌ای از اطلاعات و آگاهی‌ها به کار ببرید. مطالعه بهائی را از این نظر که سیستم و نظامی در آن وجود دارد می‌توان آکادمیک نامید. اما قضیه ما تا آنجائی که فراتر از اطلاعات می‌رود با آن متفاوت است، زیرا در اینجا اطلاع و معرفت الهی قرار دارد. محققاً مهارتهای آکادمیک شما را نسبت به کشف کنوزی که در کلمه‌الله قرار دارد آماده و مستعد می‌سازد، اما نکته جالب آن که کسب معرفت آنچنان که حضرت بهاءالله ما را به آن می‌خوانند دارای یک عامل شخصیتی، یک عامل فضیلتی است. به عبارت دیگر، وقتی که تعالیم مبارکه را به کار می‌بریم، فی‌المثل به سجایای یک مجاهد حقیقی که بدان زیبایی در کتاب ایقان مطرح شده است متصف می‌شویم، چه که قادریم برخی از آن صفات را در زندگی خود دارا شویم، در آن صورت ظرفیت و استعداد ما برای کسب معارف تزیید می‌یابد و شدت می‌گیرد.

لذا یک نکته کسب معارف به طریقه آکادمیک است، نه آن که آن را مورد انتقاد قرار دهیم. ما لازم است تاریخ را بشناسیم، سالهای وقوع وقایع مهم را بدانیم، از تمامی نکات مهم در خصوص ظهور الهی که ما را به عالم و توسعه آن پیوند می‌دهد آگاه باشیم. اما از طرف دیگر ما بیان حضرت بهاءالله را داریم که حدیث زمان سلف را نقل می‌کنند که می‌فرماید، "العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء". این بدان معنی است که بخشی مهم رشد بهائی ما مستلزم صیقل دادن آینه قلب ما و متمرکز ساختن آن به طرف خداوند است تا در معرض تابش انوار معرفت الهی قرار گیرد. به کلام دیگر، دو امر مانع از تابش نور معرفت الله بر قلب می‌گردد، زیرا وقفه‌ای در تابش نور الهی نیست، به طور مداوم و مستمر در حال تابیدن به سوی ما است. مانع اول آن

۱۰ است که قلب ما را غبار، آلودگی یا تیرگی احاطه کرده باشد به طوری که نور از آن عبور نکند، به قلب ما نرسد و در ما تأثیر نگذارد. مانع دوم جهت قرار گرفتن قلب است. باید دید که آیا به طرف پائین و به سوی زمین متوجه است یا به طرف بالا و به سوی آسمان متمرکز می باشد. آیا طالب روحانیات است؟ آیا سعی می کند نوری را که حضرت بهاءالله به سوی ما می تابانند منعکس سازد؟

لذا، همانطور که حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه ما را هدایت فرموده اند، ما به صیقل روح قلب را پاک می کنیم و به مدد دعا، به وسیله اعمال و رفتار صحیح، با انجام دادن اموری که در آثار مبارکه به آنها اشاره شده است، تدریجاً قلب را به سوی آسمان متوجه می سازیم. این تنظیم و ترتیب، یعنی پاک و پاکیزه کردن و تغییر جهت به سوی آسمان دادن، از ویژگی های اساسی و ضروری در مطالعه بهائی است.